

بی ثباتی محیط زیست شده، فرایند طبیعی آب و هوا را تغییر می دهد و تاثیری ویرانگر و برگشت ناپذیر بر بیش تر گونه های زنده ی روی زمین می گذارد.

به گفته ی جان بلامی فاستر، استاد جامعه شناسی دانشگاه اورگان و مدیر تحریریه ی مجله ی مانتلی ریویو، روند تغییر آب و هوا به صورت خطی و تدریجی ایجاد نمی شود، بلکه با شتابی سرسام آور و به شکلی تصاعدی پیش می رود که نشانه های این شتاب اکنون به خوبی آشکارند. در این جا به چند نمونه از این نشانه ها اشاره می کنم و می گویم آخرین راه حل های موجود را نیز کوتاه بیان کنم:

■ **آب شدن یخ های قطب شمال:** با آب شدن یخ ها بازتاب پرتوهای

## اکنون یا هرگز!

است، از چند صد سال پیش رفته رفته ساختار بیولوژیکی، شیمیایی و فیزیکی زمین را تغییر داده و با نادیده گرفتن پیامدها به سودجویی و بهره برداری از محیط زیست ادامه می دهد، هر دم به میزان گازهای گلخانه ای (دی اکسید کربن، متان و اکسید نیترات و غیره) می افزاید، سبب

برای آن هایی که نگران سرنوشت زمین اند، دیگر وقت آن رسیده که با واقعیت ها روبرو شوند و فقط با عوامل موثر بر تغییر آب و هوا مبارزه نکنند، بلکه در جستجوی یافتن راه های نو برای تغییر در شیوه ی زندگی و نظام اجتماعی نیز بآیند.

اینک شواهد بی شماری از نقش انسان در نابودی جنگل ها، فرسایش خاک، آب شدن یخچال ها، پدیده ی مرگبار سونامی و نابودی گونه های زیستی دیده می شود. اگر چه انسان نسبت به گونه های دیگر موجودات زنده ی روی زمین نو زادی بیش نیست و از آغاز حیات تاکنون فقط یک هزارم درصد از این زمان را روی زمین بوده و بخش بزرگی از این دوره را گرد آورنده و شکارچی بوده



که برای شان فرصتی جهت کوچ یا سازش با تغییرات نمی‌گذارد و موجب نابودی آنها می‌شود. از پی نابودی آنها چرخه‌ی حیاتی که به وجود آنها وابسته است، فرو می‌پاشد و مرگ و هلاکت موجودات بیش‌تری را سبب می‌شود.

■ **افزایش دمای زمین:** افزایش دما جذب‌کربن آب‌ها را بالا می‌برد و آنها را بیش از پیش اسیدی می‌کند و چرخه‌ی زندگی آب‌ها را به خطر می‌اندازد. پژوهش‌های جدید حاکی از آنست که اسیدی شدن اقیانوس‌ها کارایی جذب‌کربن آب‌ها را کم می‌کند و سبب افزایش بیش‌تر کربن در اتمسفر و گرمایش بیش‌تر زمین می‌شود.

هانس بلیکز، کار پژوه اسلحه در سازمان ملل، پیش از حمله‌ی آمریکا به عراق گفت، «بحران محیط زیست از سلاح‌کشتار جمعی خطرناک‌تر است. اما چون

همه‌ی آنها در فصل‌های خشک، آب مصرفی بیش از میلیاردها نفر از مردم آسیا را تامین می‌کند که آب شدن آنها سیلاب‌های بزرگی را در منطقه به راه می‌اندازد. همین حالا نابودی این یخ‌ها سبب کمبود آب در کشورهای چون بولیوی و پرو شده است.

■ **خشکسالی:** خشکی ویرانگر تا چند دهه‌ی دیگر هفتاد درصد از زمین را فرا خواهد گرفت. هم‌اکنون چهل درصد از سطح زمین بیابان است.

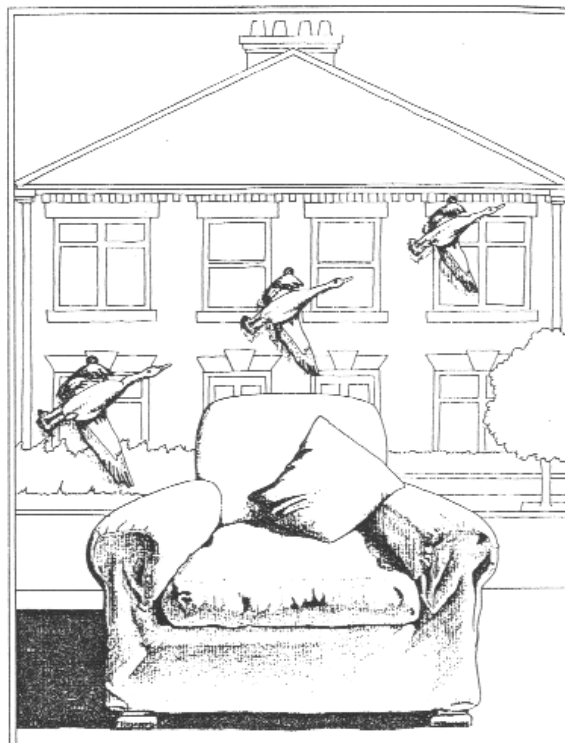
■ **افزایش گاز دی‌اکسید کربن:** میزان بالای دی‌اکسید کربن در جو سبب بی‌ثباتی آب‌وهوا شده و هوا را بسیار خشک و یا بی‌اندازه بارانی می‌کند.

■ **نابودی گونه‌های موجودات زنده:** تغییر آب‌وهوا برای برخی از موجودات زنده آن قدر برق‌آسا است

خورشید کاهش یافته و با افزایش گستره‌ی آب‌های تیره‌ی جایگزین شده، جذب پرتوها افزایش می‌یابد و در نتیجه دمای زمین بالا می‌رود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که میزان یخ‌های قطب در پایان تابستان ۲۰۱۵ چهل درصد کم‌تر از پایان تابستان ۱۹۷۰ بوده است.

■ **تلاشی یخ پهنه‌های گرین‌لند و قطب:** با آب شدن یخ پهنه‌ها سطح اقیانوس‌ها بالا می‌آید و گفتنی است که تنها یک تا دو متر افزایش سطح دریاها می‌تواند برای صدها میلیون نفر از مردم کشورهای چون بنگلادش و ویتنام که سطح زمین‌شان پایین است، فاجعه‌های سنگین به بار آورد.

■ **افزایش گازهای گلخانه‌ای:** اگر گازهای گلخانه‌ای به همین ترتیب زیاد شوند، تا پایان این قرن بیش‌تر یا همه‌ی یخ‌رودهای کوه‌های جهان از بین خواهند رفت. یخ‌رودهای





رهبران دنیا فقط به دوره‌ی چهار یا هشت ساله‌ی خود می‌اندیشند، نیازی نمی‌بینند که این دوره را برای آینده‌ی زمین به خطر اندازند.»  
با همه‌ی نشانه‌های ناامیدکننده هنوز راه‌حلی برای مقابله با بحران محیط زیست وجود دارد. مهم‌تر از همه، تغییر در شیوه‌ی تولید و نظام اقتصادی سرمایه‌داری است. به قول بیل مک‌کیبن، زیست‌بوم‌شناس و نویسنده‌ی کتاب «پایان طبیعت» رشد بی‌پایان اقتصاد به سیاره‌ای باثبات نیاز دارد که متأسفانه انسان آن را بی‌ثبات کرده است. دیگر نمی‌توانیم به عادت‌های مان ادامه دهیم و تنها راه باقی‌مانده برگشت به گذشته‌های نسبتاً دور است و بازگشت به جوامعی با شیوه‌ی اقتصادی پایا.

به نظر جیمز هانسن، مدیر بخش مطالعات فضایی ناسا و بزرگ‌ترین دانشمند اقلیم‌شناسی جهان، برای رسیدن به نقطه‌ای قابل قبول، «از امروز سوخت فسیلی باقی‌مانده، به‌ویژه سوخت زغال سنگ باید در زیر زمین بماند و گسیل گاز دی‌اکسید کربن باید تا مرز صفر کاهش یابد.» به عقیده‌ی او (باید سوزاندن زغال سنگ متوقف شود، مگر وقتی کربن آن جدا شده باشد که در واقع الان از لحاظ تکنولوژی چنین چیزی ممکن نیست.) بهای سوخت فسیلی باید پی‌درپی افزایش یابد، به عبارت دیگر باید در مرحله‌ی تولید، مالیات آن را روز به روز زیاد کرد: از سرچاه نفت، از پای معدن، یا از نقطه‌ی وارد شدن و توزیع، و همه‌ی درآمد ماهانه‌ی آن نیز باید

میان مردم به صورت سود سهام تقسیم شود.) پیکار گسترده‌ی جهانی برای پایان دادن به پاکسازی جنگل‌ها و آغاز جنگل‌سازی در گستره‌ای وسیع. هانسن در ادامه می‌گوید، «مالیات بر کربن باید یک‌راست به سود مردمی باشد که اثر منفی‌شان (جای پا) footprint بر زمین زیر خط میانگین است و سود کربن باید به صورت درآمدی خالص به آن‌ها برسد، و همین‌که میزان مصرف انرژی آن‌ها بالا رفت، یا به عبارتی جای پای‌شان بر زمین بیش‌تر شد، از این درآمد کاسته شود. این طرح سبب حمایت گسترده‌ی توده‌ها از ایجاد تغییر در میزان مصرف انرژی می‌شود و به‌ویژه لایه‌های زیرین جامعه را برمی‌انگیزاند تا در مسیر انقلاب زیست‌بومی همکاری کنند.»

بدین ترتیب لایه‌های پایین جامعه دولت‌مردان را وادار می‌کنند که اقتصاد و شیوه‌ی بهره‌برداری از منابع زمین و ارتباط تولید را از زیر سیطره‌ی منافع گروه کوچک ثروتمند جهان بیرون بکشند و به دوام زمین بیاورند. به گفته‌ی تیم فلانری، زیست‌بوم‌شناس کانادایی و نویسنده‌ی اثر معروف «اکنون یا هرگز» برای اجرای انقلاب زیست‌بومی، اقتصادی و اجتماعی پیش از هر چیز به رهبری جدیدی در کشور آمریکا نیاز داریم، کشوری که سکان‌کشتی کره‌ی خاکی را در دست دارد و آن را به سوی نابودی می‌برد.

وبسایت نویسنده:

<http://www.pedramnia.com>

[www.pedramnia.com](http://www.pedramnia.com)

پدram نیا

